

با سابقه ترین رئیس امور اوپک ایران مطرح کرد:

بخت دشوار ایران برای پست دبیر کلی اوپک

برکشلی: در اوپک قدرت یعنی تعداد بشکه نفت!



دانش نفت؛ پس از مدت‌ها سال گذشته ایران با گذراندن یک دوره بی‌ثبات به عنوان رئیس دوره‌ای اوپک، برای تصدی دبیرکلی این سازمان تاثیرگذار در بازار جهانی انرژی کاندیدایی معرفی کرد، در عین حال با توجه به اینکه دبیرکل کل اوپک بر اساس اجماع انتخاب می‌شود و ایران مخالفان مصممی در میان کشورهای عربی عضو اوپک دارد، در سایه رقابت برای دبیرکل، رقابت کوتاه مدت ایران برای احراز پست دوم اوپک یعنی ریاست دپارتمان تحقیقات نیز آغاز شد. رقابتی که به سرعت به نماینده عربستان واگذار شد. برای بررسی شیوه انتخاب مسئولان دبیرخانه اوپک، تاریخچه تحولات این سازمان و چشم‌انداز آن با فریدون برکشلی به گفت‌وگو نشستیم. وی تاکید دارد ایران و عربستان دبیرکلی و ریاست اجلاس اوپک را در شان خود نمی‌دانند و بر جایگاه تصمیم‌سازی در این سازمان ایستاده‌اند اما با این حال معتقد است ایران شانس چندانی برای تصدی دبیرکلی ندارد، اگر چه دامنه و افق ابتکارات برای تاثیرگذاری ایران بر اوپک را بسیار گسترده می‌داند. با سابقه‌ترین مسئول امور اوپک ایران در خاطرات خواندنی و ناگفته‌ای از حضور ایران در اوپک و منازعات بین اعضا دارد که شما را به خواندن آن مهمان می‌کنیم.

تاریخچه منازعه دائمی اعضای اوپک/فشار عربستان از زمان جنگ نیز بیشتر شده است

اوپک به عنوان یکی از معدود سازمان‌های جهان سومی موفق و تاثیرگذار بر اقتصاد جهانی مطرح است، اما با این حال به نظر می‌رسد انتخاب دبیرکل اوپک صحنه منازعه و هم‌آوردی و عدم توافق ۱۲ کشور عضو است.

اوپک همیشه فراز و نشیب داشته است و در طول ۵۴ سال عمر اوپک کشورهای عضو همواره یا در حال جنگ بوده‌اند یا یکی خاک دیگری را اشغال کرده است، یا کسی مانند قذافی نقشه ترور پادشاه عربستان را طراحی کرده است.

چطور این کار را کرد؟

در سال ۲۰۰۰ قرار بود اجلاس اوپک در لیبی برگزار شود که عربستان آن را اوتو کرد. به دلیل آن که عربستانی‌ها مدارکی به دست آوردند مبنی بر اینکه قذافی قصد ترور پادشاه عربستان را دارد. آن زمان این مسئله خیلی صدا کرد اما از جمله مسائل درون اوپکی باقی ماند. خود عربستانی‌ها هم نمی‌خواستند چندین روزی این مسئله مانور دهند. اساسا همیشه روابط عربستان و لیبی بحرانی بوده است. عراق هم زمان صدام به جمهوری اسلامی ایران حمله کرد و یکی از طولانی‌ترین جنگ‌ها رقم خورد. سپس عراق به کویت حمله کرد، بعد از آن آمریکا به عراق حمله کرد. در آمریکای لاتین در زمانی ونزوئلا به اکوادور حمله کرد آن هم بر سر میداین مشترک نفتی که مدعی مالکیت آنها بود. خیلی جالب است که این سازمان تاکنون با این شرایط چطور پابرجا مانده است، در واقع کمتر شرایطی بوده است که وزرای اوپک از ته دل همراه هم بخندند و هم‌زمان شاد باشند.

ظاهرا در دوره‌ای هم که با هم بودند کارلوس همه وزرای نفت عضو اوپک را به گروگان گرفت... بله، آن زمان هم کارلوس آن حرکت مشهور را انجام داد.

در اجلاس اوپک در دوره‌ای که شهید تندگویان به اسارت درآمدند وزیر نفت ایران کنار دست او می‌نشست. یعنی تمثال شهید تندگویان را می‌گذاشتند و وزیر ما به نیابت از وزیر اصلی یعنی شهید تندگویان صحبت می‌کرد.

چرا؟ چون اطلاعات موثقی در دست بود که شهید تندگویان در قید حیات هستند. بل قاسم نبی، وزیر وقت نفت الجزایر که روابط بسیار خوبی با جمهوری اسلامی ایران داشت از طریق صلیب سرخ نامه‌هایی را رد و بدل می‌کرد و مدارک و اطلاعات حاکی آن بود که شهید تندگویان در قید حیات هستند. لذا رئیس واقعی هیأت ما ایشان بود. البته این کار بعد از مدتی در اجلاس‌های اوپک متوقف شد اما چند جلسه به همین شکل برگزار شد. در هر حال اوپک همیشه تنش را تحمل می‌کرد و دوران سختی نیز برای جمهوری اسلامی ایران بود. در دوران جنگ تحمیلی عراق به جای خود اما عرب‌ها رفتار بسیار بدی با ما داشتند. غیر از قطر که به صورت سنتی با ما روابط حسنه‌ای داشت و به خاطر درگیری شدید با عربستان روابط بهتری از بقیه با ما داشت اما بقیه اعراب با ما رفتار بسیار بدی داشتند. در میان آنها امارات نسبتا بهتر بود اما کویت و عربستان بسیار بد

بودند. البته این امر منهای اعراب شمال آفریقا است. الجزایر و لیبی و نیجر به شدت از ما حمایت می‌کردند. اما چیزی که می‌خواهم به آن اشاره کنم آن است که شدت و حدت برخوردهای ضد ایرانی عربستان سعودی از اواخر ۲۰۱۰ و اوایل ۲۰۱۱ بی‌نظیر بود و حتی از دوران جنگ نیز بدتر بود. یعنی به شدت تلاش می‌کردند هر طور که برای آنها میسر است روی ایران فشار بیاورند و شدت این فشار نیز آرام آرام بیشتر شده است.

عربستان اجازه نمی‌دهد دبیر کلی به ایران برسد با این حساب راه دسترسی ایران به دبیر کلی اوپک خیلی ناهموار شده است...

ما نباید تردیدی داشته باشیم که عربستان تحت هیچ عنوانی اجازه نمی‌دهد ما دبیر کلی را بگیریم، بر اساس اساسنامه اوپک حتی یک عضو مؤسس هم می‌تواند دبیر کل یک کشور را وتو کند. نباید روی اینکه ایران بتواند دبیر کلی را به دست آورد حساب زیادی باز کنیم، علیرغم اینکه شخصا معتقدم کاندیدای جمهوری اسلامی ایران کاندیدای بسیار شایسته‌ای است. یعنی معتقدم اگر آقای نوذری انتخاب می‌شد شاید برای اولین بار اوپک طعم مدیریت انسانی را می‌چشید چرا که ایشان انسان والایی هستند و در صنعت نفت همه این مطلب را قبول دارند. از نظر تبحر و تسلط بر مسائل نفت نیز شرایط ایشان مطلوب است اما نقطه ضعف ایشان زبان است چون به هر حال به عنوان دبیر کل شما باید مصاحبه کنید و متون سنگینی را بخوانید و بنویسید.

البته در حاشیه باید بگویم اغلب ایرانیان و حتی مسئولان کشور با این مشکل مواجه هستند گذشته از آموزش زبان، یک دلیل عمده این مشکل خجالتی بودن ما ایرانی‌ها است. چرا که برای یادگیری زبان باید حرف بزیند و تعامل کنید تا راه بیفتید. در هر حال علیرغم آنکه آقای نوذری را کاندیدای شایسته‌ای می‌دانم، اما احتمال برنده شدن ایشان با توجه به شرایط کنونی و سیاست‌های عربستان بسیار غیرمحمتم است ضمن آنکه دبیر کل اوپک وقتی به این سمت انتخاب می‌شود یک شخصیت بین‌المللی می‌شود و باید به راحتی بتواند به همه کشورهای جهان از جمله آمریکا و اروپا سفر کند و در سمینارهای بین‌المللی شرکت کند. اینکه دبیر کل به دلیل ملیت خود از رفتن به بعضی نقاط جهان محروم شود یک عامل بازدارنده است.

مگر با دبیر کل اوپک تابع ملیت وی برخورد می‌شود؟

سازمان ملل به دیپلمات‌های خودش پاسپورت سازمان ملل اعطا می‌کند و شما با پاسپورت کشورتان به آنجا نمی‌روید بلکه با پاسپورت سازمان ملل سفر می‌کنید اما اوپک اینگونه نیست و شما باید با پاسپورت خودتان سفر کنید. ممکن است سفارتخانه‌ها احترام زیادی به شما بگذارند اما بعضی نقاط ممکن است برای شما مشکل ایجاد کنند در حالی که دبیر کل باید امکان تحرک فراوان و آتی داشته باشد. اینها همه عواملی است که شانس کاندیدای ایران را کم می‌کند. از سوی دیگر به صورت سنتی ایران و عربستان ریاست اجلاس و دبیر کلی اوپک را در شان خودشان نمی‌دیدند. در واقع این دو کشور خود را تصمیم‌ساز و دبیر کل ساز و رئیس اجلاس ساز می‌دانند یعنی این دو کشور شان خود را اجل از آن می‌دانند که

رئیس اجلاس باشند و معتقدند رئیس اجلاس را تعیین می‌کنند و عطشی برای این سمت‌ها نداشته‌اند. ضمن اینکه اولین دبیر کل اوپک ایرانی بود و هر پنج عضو مؤسس از جمله عربستان یک دوره دبیر کلی را در کارنامه داشته‌اند.

به صورت دوره‌ای دبیر کل در اختیار آنها بوده است؟

بر اساس الفبا ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی و ونزوئلا دبیر کلی اوپک را هر یک به مدت دو سال در اختیار گرفتند. آقای روحانی اولین دبیر کل اوپک نیز نقش مهمی بر سازماندهی سازمانی که پیش از آن وجود نداشت بازی کرد. بعد از آن اعضای جدید به اوپک پیوستند نیجر به آمد، اندونزی آمد، لیبی آمد و ترتیب الفبایی به هم خورد و بر اساس ترتیب پیوستن به اوپک کشورها دبیر کلی را در اختیار گرفتند تا اینکه آخرین عضو یعنی گابن به اوپک پیوست و در ۱۹۸۳ دوره دبیر کلی این کشور تمام شد. در آن زمان نماینده عراق معاون دبیر کل و نماینده گابن دبیر کل اوپک بود. نماینده گابن به سراغ هیئت ایرانی آمد و گفت اینها اجازه نمی‌دهند شما دبیر کل بشوید آن زمان تصور ایرانیان این بود که با اتمام دوره دبیر کلی گابن به صورت دوره‌ای دبیر کلی از ابتدا آغاز شده و به ایران می‌رسد. نماینده گابن تاکید می‌کرد که کشورهای عربی اجازه اجازه دهید دوره من تمدید شود. هیئت ایرانی درخواست وی را رد کرد و تصور بر این بود که وی می‌خواهد از این آب گل آلود برای خود ماهی بگیرد. ایشان رفت و ۸ سال معاون دبیر کل عراقی به عنوان قائم مقام و سرپرست دبیرخانه مسئولیت اوپک را برعهده داشت. آن هم در زمان جنگ ایران و عراق.

با این شرایط پس چرا ایران نسبت به اخذ پست دبیر کلی علاقه نشان می‌دهد؟

انگیزه مهم ما برای کسب ریاست اجلاس و دبیر کلی اوپک تحت شرایط فعلی بیشتر سیاسی بود. در واقع ما می‌خواستیم در فضایی که اجماع برای ایزوله کردن ایران وجود داشت نشان دهیم که رئیس اجلاس یا دبیر کل یک سازمان مهم و تاثیرگذار بر اقتصاد جهانی هستیم و گرنه از نظر اصولی دو قدرت اصلی همواره دبیر کل و رئیس اجلاس را تعیین کرده‌اند. حتی در زمان جنگ هم ما در تعیین رئیس اجلاس نقش داشتیم و آقای آقازاده وزیر وقت نفت در این امر تاثیرگذار بود. به خاطر دارم به اتفاق آقای آقازاده با وزیر نفت امارات که طبع شعری هم داشت ملاقات کردیم. آن زمان آقای آقازاده به وی گفت من می‌خواهم شما را به عنوان معاون در اوپک بگذارم که به وزیر اماراتی خیلی برخورد و گفت من خودم ۵ دوره رئیس اجلاس بوده‌ام و شما می‌خواهید من را به عنوان معاون بگذارید. آن زمان امام می‌گفتند این جنگ نعمت است و ما نمی‌فهمیدیم یعنی چه اما این کشورها آن زمان واقعا از ما حساب می‌بردند. به هر حال دبیر کلی در یکی دو دهه اخیر بیشتر برای ما جنبه سیاسی پیدا کرد و گرنه ما چندان عطشی برای گرفتن سمت در اوپک نداشتیم.

با این اوصاف دبیرکلی اوپک در این دوره به کدام کشور خواهد رسید؟

در دوره اخیر عربستان یک کاندیدای سوخته را برای دبیر کلی در نظر گرفت. آقای منیف انسان

پژوهشی خود نمی‌رسد و باید به جای دبیر کل کارهای اداری انجام دهد. احیای نظام قبلی اوپک می‌تواند در دستور کار قرار گیرد و می‌توانیم در دبیرخانه یک دبیر کل و یک معاون دبیر کل یا یک دبیر کل با ۳ معاون داشته باشیم. یعنی دامنه و افق ابتکارات گسترده است اما باید بتوان به آنها پرداخت و برای این ابتکارات لابی و مذاکره کرد تا گروه‌هایی از کشورها آرام آرام یا این روند همراه شوند. یکی از وزرای سابق نفت به یکی از کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق سفر کرده بود و آن کشور برای پیوستن به اوپک ابراز تمایل کرده بود. آقای وزیر با ما هم در میان نگذاشت که چه می‌خواهد بگوید و در اجلاس اعلام کرد که آن کشور قصد پیوستن به اوپک دارد. در اوپک کشورهای دیگر گفتند این کشورها هنوز به درستی شکل نگرفته‌اند و دولت‌های آنها به درستی مستقر نشده است. خوب اینگونه موارد باید با برنامه‌ریزی قبلی و لابی سازماندهی شود. قبل از آن باید مطمئن شویم این کارها به نفع ما هست یا نه. از کجا معلوم ورود چنین کشورهایی در یک فرآیند طولانی مدت به نفع ما است کما اینکه روابط کشور مورد اشاره الان با ما خوب نیست. وزارت امور خارجه باید برای اینگونه موارد طرح و نقشه کلی داشته باشد. من قبلا هم گفته‌ام که یک چهارم کادر کارشناسی وزارت امور خارجه آمریکا الان تنها روی ایران کار می‌کنند. من نمی‌دانم در کل وزارت نفت یا کل ایران یک کارشناسی متخصص آمریکا که صرفا روی این کشور کار کند داریم یا نه. بالاخره اگر او ما را دشمن می‌داند و اینگونه روی ما کار می‌کند ما هم باید دشمن را به خوبی بشناسیم و کارشناسان زبده‌ای را به کار روی آن بگماریم. می‌توانیم تک به تک این موارد را روشن کنیم که دستگاه دیپلماسی چه خدماتی می‌تواند به نفت ارائه کند و خدمات متقابل نفت چه می‌تواند باشد در پیشبرد اهداف کشور. امروز دیگر دیپلماسی عمومی کارساز نیست. دیپلماسی یعنی صحبت بین دشمن‌ها. دوستان با هم دیپلماسی نمی‌کنند. دیپلماسی به معنای روبرو شدن دشمن‌ها و هنر حرف زدن است و با حرف زدن شروع می‌شود اما با حرف زدن خاتمه نمی‌یابد. حرف زدن ابزار پیشبرد دیپلماسی است و کشورها باید ارزیابی صحیحی از بضاعت و قابلیت خودشان داشته باشند که بر پایه آن قابلیت‌ها دیپلماسی خودشان را پیش ببرند.

خوبی است اما در حد دبیر کلی نیست و البته ایشان بازنشسته هم بود. از ابتدا مشخص بود که این کاندیدا را معرفی کرده‌اند تا بگویند ما هم کاندیدا داریم و بتوانند با تکیه بر آن کاندیدای دیگری را وتو کنند. براساس آنچه قابل مشاهده است **احتمالا کاندیدای عراقی دبیر کل آینده اوپک خواهد بود و به نظر می‌رسد وی ارتباط چندانی مناسبی نیز با ایران ندارد. سالها در آمریکا زندگی کرده است و یکی از نفتی‌های قدیمی است.**

چرا ما به اهدافمان در اوپک دسترسی پیدا نکرده‌ایم؟ مشکل از کجاست؟

موضوع به ضعف دیپلماسی انرژی ما باز می‌گردد. تجربه نشان داده که بخش خارجی صنعت نفت ما تا حدودی ضعیف است. البته منظورم بخش عملیات فروش نفت و صادرات و امثال آن نیست. در عین حال تینک تنک‌ها و اتاق‌های فکر موجود ما هم به این مهم نپرداخته‌اند. بنابر این **مایک ضعف دیپلماسی انرژی در نفت داریم. یک ضعف مهم‌تر دیپلماسی انرژی ما در دستگاه دیپلماسی خارجی کشور است. یعنی دیپلماسی خارجی ما همواره نفت خور کرده برای پشتیبانی دیپلماسی، اما دیپلماسی خارجی ما هیچ کمک قابل توجهی به نفت کشور نکرده است تا نفت یک تشر به آنها بدهکار باشد. در حالی که همیشه از نفت خورج کرده است.**

دستگاه دیپلماسی چه کمکی می‌توانست به مجموعه‌ای از کمک‌ها برای مثال در انتقال تکنولوژی، در انتقال سرمایه و مانند آنها به کمک وابستگان اقتصادی ما در سفارتخانه‌ها. یا در همین بحث دبیر کلی دستگاه دیپلماسی می‌توانست کمک زیادی به ما بکند. فعلا آن دیپلماسی خارجی هیچ وقت نفت را دستمایه کسب امتیاز برای کشور نکرده‌اند بلکه همواره از نفت بهره و امتیاز برده‌اند. در بحث دبیر کلی دستگاه دیپلماسی خارجی ما قرار نیست عراق را متقاعد کند که از ما حمایت کند. یا اینکه ببینند کدام یک از کشورهای عضو اوپک شرایطی دارند که براساس آن بتوان به اجماعی رسید. به عنوان مثال در حال حاضر نیجر به نمی‌تواند عهده‌دار دبیر کلی شود چرا که سال‌ها دبیر کل بوده است ونزوئلا هم نمی‌تواند چون دبیر کلی را قبلا گرفته است. ما باید ببینیم آیا مثلا می‌توان از کشور دیگری مانند آنگولا به عنوان کشوری که ۵ سال بیشتر نیست به اوپک پیوسته است و به هر حال باید حق گرفتن سمتی در اوپک را داشته باشد حمایت کنیم؟

عدم طرح چنین ابتکاراتی به فقدان هماهنگی بازمی‌گردد، یعنی دستگاه دیپلماسی و نفت باید با هم ارتباط سیستماتیک داشته باشند. باید نقشه راهی وجود داشته باشد که در آن سهم وزارتخارجه و وزارت نفت و دیگر دستگاه‌ها و نحوه تعامل آنها با هم مشخص باشد. اگر ما دبیر کلی را در این دوره از دست بدهیم تا ۶ سال دیگر آن را به دست نخواهیم آورد. اما آیا برای ۶ سال آینده نقشه راهی داریم؟ **راهکارهایی برای تاثیرگذاری روی آینده اوپک وجود دارد؟**

راهکارها بسیار زیاد است. دبیر خانه هر ۱۰ سال موظف به بازنگری در چارت سازمانی است. دبیرخانه الان معاون ندارد. تنها یک دبیر کل و یک رئیس دپارتمان تحقیقات وجود دارد. یعنی اگر دبیر کل نباشد رئیس دپارتمان تحقیقات به وظایف

زمانی که سمتی در اوپک خالی می‌شود آن را اعلام می‌کنند. به ما هم اعلام کردند و کاندید ما برای دپارتمان تحقیقات آقای غنیمی فرد بود. مصاحبه‌هایی برای احراز این پست‌ها برگزار می‌شود. در صددی از این مصاحبه‌ها واقعا فنی است و درصد بالایی نیز سیاسی است. ابتدا از روی مدارکی که نامزدها ارائه می‌دهند گزینه‌های دارای شرایط قابل قبول را انتخاب می‌کنند. آن چند نفر را به نوبت دعوت می‌کنند و دبیرکل، رئیس بخش

عراقی‌ها با به توافق رسیده‌اند؟

عراقی‌ها با به توافق رسیده‌اند؟